

نظریه سرچشمه های جغرافیایی منازعه بین کشورها

از:

دکتر محمدرضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس

تهران، ۱۳۷۹ ه.ش / ۲۰۰۰ م

در ارتباط با انگیزه های تنش، منازعه و جنگ بین کشورها و سازه های انسانی، عوامل و ارزش های جغرافیایی نقش اساسی را به عهده دارند. عواملی که به عنوان ارزش ها و منافع ملی و یا جمعی ملتها و سازه های انسانی از قبیل سرزمین، فضا، مرز، منابع معدنی، آب، سرمایه، علم و فناوری و... به آن نگریسته می شود. همچنین عوامل زمینه ای که موجبات تمایز و تفاوت بین سازه های انسانی نظیر گروه های قومی، مذهبی و نژادی را به وجود می آورند در بروز تنش موثرند. علاوه بر این مسئله تغییر، تاسیس، موجودیت و شکل بندی ساختار سیاسی - فضا و تغییر وضعیت جغرافیای سیاسی در مقیاس های محلی، منطقه ای و جهانی عمدتاً از نظر حکومت ها به عنوان هدف سیاسی منازعه تعیین می شوند. همچنین احتمال وجود جنبه های فطری، روانشناختی، و ایدئولوژیک در وقوع منازعه بین کشورها وجود دارد.

عوامل اساسی تولید کننده جنگ به طور عینی آنهایی هستند که از آنها برداشت ارزش ها و منافع حیاتی و جمعی به عمل می آید که برای تصرف، کنترل یا رفع تهدید از آنها به اقدام سیاسی و جنگی مبادرت می شود. این عوامل و ارزش های بنیادین در حوزه های جغرافیا، سیاست و ایدئولوژی قرار دارند. معمولاً حکومت ها نسبت به برخی عوامل جغرافیایی / طبیعی یا انسانی / بیرون یا درون قلمرو خود دیدگاهی ناسازگار با دیدگاه همسایگان یا قدرت های مداخله گر منطقه ای یا جهانی دارند که در چنین حالتی مشاجره میان آنها بروز می کند. عمده ترین عوامل جغرافیایی تاثیرگذار در تولید تنش و منازعه بین کشورها عبارتند از:

۱. **فضا و خاک:** کشورهای قوی تر معمولاً چشم طمع به قلمرو سرزمینی دیگران بویژه همسایگان خود

دارند، و برای نفوذ در فضای جغرافیایی و یا حتی تصرف اراضی آنها تلاش می کنند.

۲. **مسیر ارتباطی:** همه کشورها بویژه کشورهای محصور در خشکی نیاز به ارتباط با دنیای خارج دارند. برخی هم برای تردد کشتی‌های تجاری و جنگی به آبراه‌ها و تنگه‌هایی نیازمندند که در قلمرو آنها نیست. لذا تلاش کشورهای نیازمند برای دسترسی به این زمینه‌ها و تلاش دارندگان گذرگاه‌های زمینی، هوایی و دریایی برای بهره‌مندی بیشتر، باعث تنش می‌شود.
۳. **خط تقسیم آب و سرچشمه رودخانه‌ها:** هنگامی که چنین پدیده‌ای در مرز دو کشور باشد، فرسایش بستر رود، جابجایی مرز را به دنبال دارد و پیامد آن تنش و اختلاف مرزی دو کشور همسایه می‌باشد.
۴. **رودخانه‌هایی که در مسیر خود از چند کشور می‌گذرند:** آنها تمام یا بخشی از سرزمین کشورهای مسیر گذر را سیراب می‌کنند، و در تنش‌زایی میان این کشورها نقش دارند. چون شهروندان هر کشور مدعی "حق آب" هستند و هر دستکاری در آب رودخانه‌ها مانند احداث سد، بهره‌برداری بیشتر، تغییر مسیر و... می‌تواند به اختلافات دامن بزند.
۵. **مرز دریایی مشترک:** این مرزها گرچه بر اساس مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مشخص می‌شود، اما چگونگی ترسیم خط مرز و قلمرو سازی، بهره‌برداری از کانی‌های فلات قاره، ذخایر آبزیان و نیز شیوه مالکیت یا تصرف جزایر می‌تواند باعث تنش میان کشورهای ذینفع شود.
۶. **تعیین مرزهای مشترک دریاچه‌ای:** که برای رژیم گذاری میان کشورهای ساحلی آنها مسئله آفرین است.
۷. **منابع زیرزمینی مشترک مرزی که در دو سوی خط مرز گسترش پیدا کرده‌اند:** چنانچه میان کشورهای ذینفع، بر سر شیوه بهره‌برداری از آنها توافقی حاصل نشود، می‌تواند به تنش میان آنها بینجامد.
۸. **مجاورت پایتخت یا شهر بزرگ و حساس یک کشور با مرز:** بدلیل قائل شدن حاشیه امنیتی برای آن.
۹. **یک موقعیت استراتژیک:** که برخورداری از آن موازنه قدرت نظامی را دگرگون می‌کند و دارنده آن می‌تواند کشور رقیب را زیر فشار و یا تهدید بگذارد.
۱۰. **ذخایر کانی یا سوختی چشمگیر و غنی:** که کشور همسایه یا کشورهای قدرتمند برون مرزی و جهانی به آن چشم می‌دوزند و برای تصرف یا بهره‌برداری از آن می‌کوشند.
۱۱. **روش مصنوعی باران‌زا کردن ابرهای گذرنده:** که ممکن است با اعتراض کشورهای همسایه که همه ساله به شکل سنتی و طبیعی از ذخیره رطوبتی این ابرها سهم و بهره‌ای داشته‌اند، قرار بگیرد.

۱۲. جابجایی عشایر در دو سوی مرز بین‌المللی: عشایری که برای ادامه حیات و بقای خود به دامپروری متکی هستند و زندگی دامی آنها هم به علفزارهای مناطق بیلاق و قشلاق بستگی دارد، جابجایی آنها در دو سوی مرز بین‌المللی می‌تواند تنش‌زا باشد.

۱۳. گروه اقلیت جدایی‌خواه: اقلیت‌های قومی یا مذهبی که در حاشیه کشورها مستقرند چنانچه از اندازه و وزن ژئوپلیتیکی کافی برخوردار باشند و عوامل بیرونی نیز به آنها کمک کند، می‌تواند منشأ تنش با کشور مادر باشند و بر روابط آن با کشورهای محرک یا پشتیبان خود تأثیر منفی بگذارد.

۱۴. گروه اقلیت محاط در خشکی کشور مادر: که مورد حمایت کشور متروپل حامی خود قرار می‌گیرد.

۱۵. گروه اقلیت پراکنده در دو سوی مرز: که با یکدیگر تعاملات فضایی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، و ... میان مرزی دارند.

۱۶. گروه اقلیت گسترش یافته از یک کشور به کشور مستقل دیگر: برخی گروه‌های اقلیت حاشیه کشورها، به گونه‌ای دنباله ملت کشور دیگر هستند و با آن تجانس دارند. چنانچه حکومت‌های مادر بخواهند، می‌توانند از آنها به عنوان اهرم فشار علیه همسایه استفاده و یا آنان را به جدایی از آن کشور و پیوستن به خود تشویق کنند.

۱۷. تفاوتها و تضادهای فرهنگی و هویتی: گاهی سازه‌های انسانی و ملت‌های همسایه به علت خصیصه‌های فرهنگی و دینی متفاوت با هم سازگاری ندارند و این پدیده به بروز تنش، اختلاف و کشمکش بین آنها کمک می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۰۰-۱۹۷).

منابع:

۱. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۷۹). مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی (جلد اول). قم: نشر سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج کشور.